

یحیی تعمیددهنده

¹ و در آن ایام، یحیی تعمیددهنده در بیابان یهودیه ظاهر شد و موعظه کرده، می‌گفت: ² توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. ³ زیرا همین است آنکه اشعیای نبی از او خبر داده، می‌گوید: صدای ندا کننده‌ای در بیابان که: راه خداوند را مهیا سازید و طُرُق او را راست نمایید. ⁴ و این یحیی لباس از پشم شتر می‌داشت و کمر بند چرمی بر کم، و خوراک او از ملخ و عسل بَرّی می‌بود. ⁵ در این وقت، اورشلیم و تمام یهودیه و جمیع حوالی اَرْدُنّ نزد او بیرون می‌آمدند، ⁶ و به گناهان خود اعتراف کرده، در اَرْدُنّ از وی تعمید مییافتند.

⁷ پس چون بسیاری از فریسیان و صَدّوقیان را دید که بجهت تعمید وی می‌آیند، بدیشان گفت: ای افعی زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید؟ اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید، ⁹ و این سخن را به خاطر خود راه مدهید که: پدر ما ابراهیم است، زیرا به شما می‌گویم: خدا قادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند. ¹⁰ و الحال تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است، پس هر درختی که

ثمره نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده شود. ¹¹ من شما را به آب بجهت توبه تعمید می‌دهم. لکن او که بعد از من می‌آید از من تواناتر است که لایق برداشتن نعلین او نیستم؛ او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ¹² او غریال خود را در دست دارد و خرمن خود را نیکو پاک کرده، گندم خویش را در انبار ذخیره خواهد نمود، ولی گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید.

تعمید عیسی

¹³ آنگاه عیسی از جلیل به اَرْدُنّ نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. ¹⁴ اما یحیی او را منع نموده، گفت: من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آیی؟ ¹⁵ عیسی در جواب وی گفت: الآن بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم. پس او را وا گذاشت. ¹⁶ اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید. ¹⁷ آنگاه صدایی از آسمان رسید که: این است پسر حبیب من که از او خشنودم.